

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم محضر مبارک استاد طاهر زاده، سلام عليكم يادم می آید در مکالمه ی تلفنی که با جنابعالی داشتم از علت ارادت ویژه ی شما به هایدگر پرسیدم و تذکر دادم که وقتی سخنان شما را برای یکی از اساتیدم بیان کردم به آن اشکال گرفته است و معتقد بوده است که : از امثال هایدگر نمی توان برای نقد مدرنیته استفاده کرد و جایگاه آن را در کنار جایگاه ملاصدرا (ره) قرارداد چنان که شما معتقدید (برای عبور از مدرنیته به ملا صدرا یی کنار هایدگر وهایدگری کنار ملاصدرا نیازمندیم) زیرا این هایدگر بود که به هرمنوتیک که انسانی ترین مسئله ی عصر روشنگری و ارمغان امثال شلایر ماخر ودیلتای است جانی تازه بخشید و شاگرد بلا فضلش گادامر آن را احیا کرد و خلاصه امروز اگر هرمنوتیک زنده است از بذل توجهات این بزرگان است و به جمله استادم استناد کردم که فرموده بود: (فلسفه ی غرب همه اش نجس است زیرا حتی وقتی از خود انتقاد می کند دستی از دور بر آتش اومانیسیم دارد). فرمودید : استادتان متاسفانه فلسفه ی غرب را خوب مطالعه نکرده است و از این رو در مورد امثال هایدگر به اشتباه افتاده است . و بعد از تعریف و تمجید بسیار و نثار رحمت و فاتحه به روح هایدگر مرا به جزوه ی (تاریخ فلسفه ی غرب) خود ارجاع دادید و فرمودید که بروم و آن قسمتی که شما درباره ی هرمنوتیک بحث کرده اید را بخوانم و تذکر دادید که هایدگر به خاطر بحران معنای غرب در زمان خودش و به خاطر احیای معنای از دست رفته، هرمنوتیک و مذاقه کردن روی متن کتاب مقدس را ضروری می دیده است و برای تقریب مسئله به ذهن من مثال زدید که امروز در ایران ما که از بلای خانمان سوز مدرنیته و در امان نمانده است نیز بحران معنی وجود دارد بگونه ای که دیگر سفارشات خطیبان جمعه به تقوا کمتر در دلها اثر می کند و ... حال چگونه است که شما از فعالیتهای هرمنوتیکی آقای سروش اینگونه برآشفته اید و بعضی از دوستان پا را فراتر گذارده و عرصه ی مقدس قلم را به نام نامقدس سر نیزه آلوده کرده اند تا آنجا که بعد از تعطیلی کلاسهای ایشان، حقوق و مواجب فرهنگی او را نیز قطع کردند و به نوعی او که روزی زبان رسایی این انقلاب در مقابل مارکسیسم جهانی بود را از دانشگاه اخراج کردند و بارها با نامهای تهدید آمیز او را تهدید به مرگ خود و خانواده اش نمودند و عرصه چنان برایشان تنگ شد که اعطای تدریس در ایران را به لقایش بخشیدند و ترجیح دادند که تحصیل و تدریس خود را در کشوری دیگر ادامه دهند و اگر نبود نهضت دوم خرداد امروز از تجدید چاپ کتابهای او نیز خبری نبود در اینجا چند سوال بسیار مهم ذهن را می آزراد . ۱- آیا در ایران اسلامی بحران معنی به وجود نیامده است اگر جواب مثبت است و راه مقابله با آن نیز به گفته ی شما فعالیتهای هرمنوتیکی است سوال دوم پیش می آید . ۲- آیا فعالیت های آقای

سروش هرمنوتیکی نیست ، اگر جواب مثبت است ۳- نوع برخورد با اینگونه بحث ها چگونه باید باشد ، توضیح اینکه در مصاحبه ای که استاد محمد مجتهدی شبستری (یکی از بزرگترین اساتید تاویل متن ایران) با هفته نامه ی شهروند امروز انجام داده بودند گله داشتند از اینکه در ایران امروز هیچ مرکز و محفلی برای طرح مسائل دینی روز نیست و به عبارت دیگر بحث های هرمنوتیکی را نه می توان در گروه الاهیات و فلسفه ی دانشگاهها گفت و نه می توان در حوزه ی علمیه مطرح کرد و معلوم نیست اگر بخواهیم پای اینگونه بحث ها به امور روزمره ی عامه کشیده نشود و شان آکادمیک خود را حفظ کند باید در چه جایگاه و کدام تربیون بیان شود و چه محفلی پشتیبان گفت وگویی آزاد علمی است ۴- و سوال چهارم که در نظرم از همه ی سوالات فوق حساس تر و حیاتی تر است اینکه آیا به نظر شما به عنوان یک اسلام شناس و شیعه شناس (حداقل برای بنده) بعد از اینکه به گفته ی قران با کفار و بدخواهان قتال کردیم و مومنین بر اوضاع تسلط نسبی پیدا کردند و عرصه ی قلم و علم ورزی برپا شد و مومنین فرصت تفقه در دین را یافتند تا چه اندازه حق عمیق شدن دارند و تا چه اندازه حق دارند که نظرشان را در باره ی اموریان کند و مطمئن باشند که مصداق کفاری که خونشان مباح است قرار نمی گیرند و به عبارت بهتر، اسلام با گفتگوی آزاد الف : تا چه حدی ب: با چه معیاری موافق است . در پایان ذکر این نکته را ضروری می دانم که : استاد اصغر طاهرزاده (روحی لک الفدا) التماس می کنم که به این نوشته نگاه سیاسی (آنگونه که اکنون در جامعه ی ما معمول است) نداشته باشید و نویسنده اش را فردی زندیق که قصد ریشه کنی اسلام ناب را دارد نپندارید، نگارنده ی این سطور طلبه ای بی نام و نشان و بی غرض است که سالهاست با محافل شما آشنا است و از صهبای معرفت شما در مسائل مختلف اگر چه سیراب نگشته اما توفیق مزمره کردن آن را یافته است . ماه رجب است ماهی که در آن قتال حرام گشت تا مومنین با آسایش خاطر کامل فرصت هم آغوش شدن با معبود خود را داشته باشند، پس اجازه دهید گفتار را با دعای هر روز این ماه به اتمام برسانم که : اللهم فاهدنی هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی من الغافلین المعبدین و اغفرلی یوم الدین .
والسلام علیکم و رحمه الله

متن پاسخ

جواب: علیک السلام باسمه تعالی؛ عذر می خواهم که مجبورم بسیار مختصر جواب بدهم. ۱- معتقدم نگاه هرمنوتیکی هایدگر، نگاه عبور از مدرنیته است و یک نوع نجات دادن زبان است از حجاب ظلمانی مدرنیته. ۲- با تعمق بر سخنان جناب آقای سروش و آقای مجتهدی هرمنوتیک به معنی هایدگری به چشم نمی خورد، بلکه با طرح این که متن صامت است به خود اجازه ی هرگونه تحمیل فکری را به متن می دهند و آقایان عملاً روح ضد قدسی مدرنیته را از متون دینی بیرون می کشند. ۳- حتماً جناب عالی با دقت مصاحبه ی آقای مجتهدی با فرزند آقای سروش و مقاله ی ایشان را در مجله ی «مدرسه» خوانده اید. مطمئنم اگر آن مطالب را دنبال بفرمایید نگرانی شما از این که گمان شود در نظام اسلامی از تفقه در دین جلوگیری می شود برطرف می گردد. آنچه بنده از سخنان آقای مجتهدی

می‌فهمم پنهان کردن مطلب است در زیر الفاظ، و آن مطلب نفی مطلق قرآن است. آیا در نظامی که باید اندیشه آزاد باشد، به جای اظهار نظر به طور صریح، باید با کلمات بازی کرد، یا مثل ابن‌ابی‌العوجاع که صراحتاً خدا و نبوت را انکار می‌کند در عین حال در یک بحث آزاد با امام صادق «علیه‌السلام» می‌نشیند و بحث می‌کند. آیا اگر به اسم مباحث علمی برنامه براندازی نرم را پیشه کرده اند نظام اسلامی باید بهترین مراکز علمی را در اختیار آن‌ها قرار دهد؟ برادر بسیار عزیز! باور بفرمایید موضوع بیش از آن که علمی باشد، سیاسی است ولی صورت علمی دارد و با دقت زیاد می‌توان مقصد اصلی امثال آقای سروش و آقای مجتهدی را فهمید. بنده در آخرین جلسات بحث در رابطه با سوره طور سخنان آقای مجتهدی را بدون آن که اسم ببرم، نقد کرده‌ام. امید است مفید افتد. همچنان که سخنان آقای سروش را نقد نمودم و در همین سایت می‌توانید دنبال بفرمائید. آنچه از جنابعالی تقاضا دارم دقت در عمق سخنان آقایان است، سعی کنید لایه‌های اشعار و سخنان عرفانی را که در نوشته‌ها به کار می‌برند کنار بزنید و حرف اصلی آقایان را پیدا کنید و بعد به بررسی آن بپردازید. آنچه بنده تشخیص می‌دهم این است که آقایان گام به گام، نه به عنوان تفقه در دین، بلکه با عزم تغییر مسیر دین مطالبی را به مخاطبان‌شان القاء می‌کنند که البته بنده به هوشیاری و فرهنگ جوانان کشور در فهم موضوع بسیار امیدوارم.